

نقش حکومت سلجوقی در رشد اقتصاد شهرهای ایالت کرمان در سده ۵ و ۶ هجری قمری

نجمه ملک‌پور^۱

چکیده

یکی از ادوار تأثیرگذار در تاریخ اقتصادی و شهری ایران، دوره سلجوقیان است، زیرا شکل‌گیری بنیان‌های اقتصادی و شهرنشینی عصر حاضر به این تجربه اساسی و بنیادی در تاریخ اقتصادی و اجتماعی ایران بازمی‌گردد. سبک زندگی کوچ‌نشینی سلجوقیان باعث تحول در بهره‌گیری از زمین و سازمان‌بندی اجتماعی در مناطق تحت سلطه آنها شد و نظام‌های جدید مالکیت ارضی را به وجود آورد. به تدریج با برقراری امنیت در مسیرهای ارتباطی، تجارت شکوفا شد و به تبع آن، کانون‌های جمعیتی شکل گرفت و شهرها و ولایات به واسطه شرایط اقتصادی مناسب رشد و ترقی یافتند. در مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی، چگونگی نقش حکومت سلجوقیان در رشد اقتصاد ایالت کرمان در سده پنجم و ششم هجری قمری مطالعه و واکاوی شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد، زنجیره‌ای از عوامل گوناگون همچون گستردگی قلمرو سلجوقیان کرمان، دو پایتختی بودن این حکومت، تنوع اقلیم، سلطه این حکومت بر راه‌های ارتباطی کرمان - بلوچستان و رونق مسیر تجاری جنوب به شمال در این دوره سبب شد ایالت‌های جنوبی ایران از لحاظ توسعه شهری و اقتصادی روند متفاوتی داشته باشند. شهرها و ولایات بسیاری رشد اقتصادی قابل توجهی کردند و در پی آن کانون‌های جمعیتی جدیدی ایجاد شد و حاکمان سلجوقی با دقت بیشتری به تقسیمات کشوری پرداختند و به نظام اداری رسیدگی کردند.

واژه‌های کلیدی: کرمان، سلجوقیان، ایالت، ولایات، اقتصاد، تجارت.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۵

۱. دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگر گروه مطالعات ایران‌شناختی، بنیاد ایران‌شناسی. najmemalekpour@gmail.com

۱۳۳

ایران‌شناسی

مقدمه

تحول شهرها و کانون‌های جمعیتی از آنجاکه بستری برای اغلب تحولات جوامع بشری از گذشته تا اکنون بوده است، همواره توجه محققان را به خود جلب کرده و جغرافیا و مکان این تحولات برای تحلیل رویدادهای تاریخی مختلف اهمیت داشته است. مطالعات توسعه اقتصاد شهری ایالت‌های^۱ جنوبی ایران باتوجه به نقش این سرزمین‌ها در تحولات مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و نظامی ایران در دوران‌های مختلف می‌تواند تصویر روشن‌تری از چگونگی و چرایی رشد یا افول سایر شهرهای ایران نشان دهد. از طرف دیگر، عوامل گوناگونی در پیشرفت و عمران و یا زوال و نابودی این مناطق نقش داشته که اقتصاد یکی از مهم‌ترین آنهاست. مسئله اصلی این پژوهش ضمن واکاوی وضعیت جغرافیایی این شهرها و ولایات، مطالعه نوع اقدامات حاکمان سلجوقی برای توسعه اقتصادی و در نتیجه شناسایی دلایل رشد و رونق این مناطق است. این موضوع به این دلیل اهمیت دارد که باتوجه به وسعت این ایالات، موقعیت جغرافیایی، کنترل بر راه‌های مرکزی، جنوب و جنوب شرق، دسترسی به بندرگاه‌های مهم و... می‌توان ادعا کرد نقش ایالت‌های جنوبی ایران به خصوص کرمان و بلوچستان در دو سده پنجم و ششم هجری قمری در تحولات تاریخی و سیاسی ایران از بسیاری ایالت‌های دیگر بیشتر بوده است. با وجود اهمیت نقش اقتصاد و تصمیم‌گیری حاکمان در تحول شهرها و ولایات، اغلب محققان در مطالعه تاریخ محلی این سرزمین‌ها بیش از آنکه به بحث درباره دلایل توسعه و تحول شهرها بپردازند، صرفاً به بیان تحولات سیاسی این مناطق بسنده کرده‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود با وجود گستردگی قلمرو پژوهشی، خط سیر توسعه و تحول ایالت کرمان ایران پی گرفته شود تا نشان داده شود که نقش حکومت سلجوقی در رشد اقتصاد شهرهای این ایالت چه میزان و تحت تأثیر چه شرایط جغرافیایی و سیاسی بوده است. در این زمینه، در تعداد اندکی از منابع از جمله در دو کتاب *بدايع الزمان في وقایع کرمان و عقد العلی للموقف الاعلی* نوشته افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، از برخی جاده‌های تجاری و اقدامات عمرانی در طول مسیر این راه‌ها سخن گفته شده است. پس از وی، در کتاب *سلجوقیان و غز در کرمان* اثر میرزا محمدابراهیم خبیبی این مطلب بازگو شده است. در خصوص تجارت و اقتصاد شهرها در دوره سلجوقیان در جلد پنجم کتاب *تاریخ ایران کمبریج* (جی. آی بویل

۱. ایالت قسمتی از مملکت که دارای حکومت مرکزی و ولایات حاکم‌نشین جزء آن است.

و همکاران، ۱۳۸۹) مطالبی بیان شده است. ذکر هم‌زمان حوادث و وقایع دوران سلجوقیان بزرگ و وقایع دیگر دولت‌های منشعب، مانند اتابکان فارس و سلجوقیان کرمان از جمله موضوعات مطرح‌شده در این کتاب است. همچنین در کتاب *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران* (لمبتن، ۱۳۷۲) فصلی به اقتصاد در این دوره، به‌ویژه درباره کشاورزی و نظام آبیاری، اختصاص داده شده است. از کتاب‌های دیگر در این خصوص می‌توان به کتاب *مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان* (یوسفی‌فر، ۱۳۹۰) اشاره کرد. این کتاب به روند شهرنشینی در دوره‌های پیش از اسلام و دوره اسلامی پرداخته است. درباره سلجوقیان کرمان، کتاب *تاریخ سلجوقیان کرمان* (مرسل‌پور، ۱۳۸۷) علاوه بر پرداختن به مباحث سیاسی، اشاره‌ای به تشکیلات اداری و دیوانی قاوردیان و نیز مسائل اقتصادی در کرمان داشته است. کتاب *هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان* (کلمرزی، ۱۳۹۸) به فراز و فرود شهرهای ایالت کرمان از قرون نخستین دوره اسلامی تا دوره تیموری پرداخته است. نویسندگان مقاله‌های «تحلیل وضعیت تجارت و راه‌های تجاری کرمان در دوران حاکمیت سلجوقیان» (روستا، ۱۳۹۴) و «تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم قمری با تأکید بر جایگاه جیرفت» (عباسی و امیری، ۱۳۹۰) اقتصاد سلجوقیان و تأثیر آن بر گسترش بازرگانی و شکوفایی اقتصاد شهری را مطالعه کرده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها، به‌خصوص تاریخ سلجوقیان کرمان و هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان به موضوعات ارزشمندی همچون رویکرد حاکمان سلجوقی به تحول و توسعه شهرها و گسترش تجارت و رونق اقتصادی در ولایات پرداخته‌اند و به جایگاه و تأثیر برخی از شهرها به‌خصوص بنادر و دارالملک‌ها در رشد اقتصادی سایر مناطق در جنوب ایران تأکید ورزیده‌اند.

با اذعان به نتایج قابل‌توجه و ارزشمند این آثار، اهمیت پژوهش حاضر از یک‌طرف، مطالعه ارتباط بین واحدهای جغرافیایی و شهرها و ولایات و از طرف دیگر، تبیین نقش اقتصاد و تصمیمات حاکمان سلسله سلجوقی در تحول و توسعه و همچنین افول و سقوط شهرها و ولایات است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای کوشیده است ضمن بیان و توصیف چگونگی شکل‌گیری حکومت سلجوقیان کرمان و قلمرو زیر نفوذ آنان، به تحلیل و واکاوی نقش این حکومت در رشد اقتصاد

شهرها و ولایاتی^۱ همچون بم، سیرجان، خبیص^۲، هرموز^۳، بندرتیز^۴ و مکران در سده‌های پنجم و ششم هجری قمری پیردازد.

سلجوقیان کرمان و قلمرو زیر نفوذ آنان

سلجوقیان از ابتدای تأسیس دولت خود، قلمرو خویش را براساس یک سنت ایلی به نواحی مختلفی تقسیم کردند و سلطان طغرل اول از میان خاندان سلجوقی برای هر ناحیه حاکمی برگزید و منصوب کرد. حاکم هر ناحیه در عین حال که اطاعت و تابعیت خود را از سلطان اعلام می‌کرد، در اداره قلمرو خود استقلال داشت. همچنین او می‌توانست سرزمین‌های مجاور قلمرو خود را فتح کند و به حاکمیت خود بیفزاید. در آن دوره، بخشی از ایالات جنوبی ایران مانند قهستان، تون، طبسین و کرمان^۵ در حاکمیت قاورد بن چغری بیگ قرار گرفت (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۰۴).

حکومت قاوردیان توانست حدود صدوپنجاه سال در کرمان پابرجا بماند و در این مدت، کرمان و نواحی آن با دوری از منازعات داخلی خاندان سلجوقی در عراق و خراسان و آذربایجان، و در سایه خاندان قاوردیان، در زمینه‌های کشاورزی، دام‌پروری و گسترش آبادانی و بازرگانی رشد کرد. از دیگر دلایل اهمیت این سلسله، حضور و حکمرانی آنها بر مناطقی همچون فارس، یزد، طبس، سیستان، مکران و حتی عمان بود که نشان از قدرت و تسلط فراوان آنها داشت (ایمان، ۱۳۹۷: ۲۰۶).

ایالت کرمان در زمان سلجوقیان به بالاترین توسعه سرزمینی خود رسید و از همه جهات گسترش یافت. ملک قاورد بعد از فتح گرمسیرات کرمان به طرف فارس لشکرکشی کرد و توانست شیراز را با شهرهای اطراف تصرف کند (کلمری، ۱۳۹۸: ۴۸). البته ضمیمه و الحاق شیراز به قلمرو سلجوقیان دیری نپایید و تنها دو منطقه فرگ^۶ و طارم که جزء بلوک سبعة فارس بودند تا پایان دوره سلجوقیان در قلمرو ایالت کرمان باقی ماندند. در جنوب و جنوب‌شرق نیز قلمرو این حکومت تا عمان و بلوچستان گسترش

۱. ولایت قسمتی از ایالت است که دارای یک شهر حاکم‌نشین و توابع باشد اعم از اینکه حکومت آن تابع پایتخت یا تابع مرکز ایالتی باشد.

۲. شهداد کنونی.

۳. میناب کنونی.

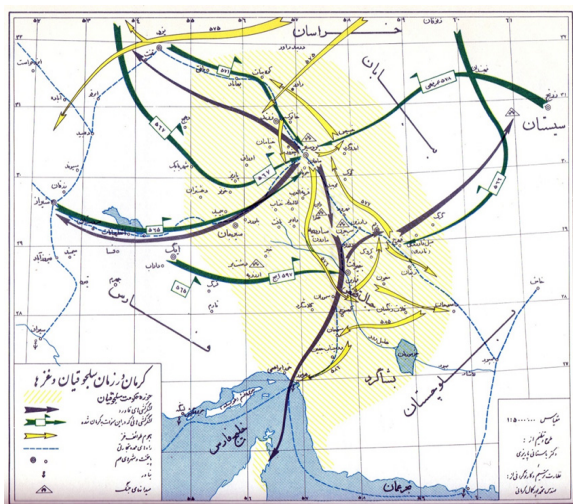
۴. روستای تیز یا تیس در دهستان و شام دری بخش مرکزی شهرستان چابهار در استان سیستان و بلوچستان.

۵. ایالت کرمان آن روزگار سرزمین‌های بسیاری از استان‌های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان امروزی را در بر می‌گرفت.

۶. دهستانی در بخش فرگ شهرستان داراب در استان فارس.

یافت و علاوه بر تیس و مکران، حاکمان سلجوقی کرمان توانستند خاش و اسپه (اسپید) را در کنترل خویش درآورند. قلمرو سلجوقیان کرمان از سمت شمال تا راور، کوهبنان و انار امتداد داشت، اما مناطقی از طیس، یزد و حتی اصفهان را نیز دربر می‌گرفت. از سمت غرب و شمال غرب قسمت‌هایی از قلمرو ایالت فارس که همجوار کرمان بود، ضمیمه این ایالت شد. یکی از این مناطق، شهربابک و رودان بود. «رکن شرقی ایالت فارس متاخم^۱ اعمال کرمان است بر صوب سیرجان و سرحد آن، رودان است و این رودان، از اعمال فارس بود اما در عهد سلطان شهید البارسلان چون میان فارس و کرمان، حد می‌نهادند، این رودان با کرمان گذاشت» (ابن بلخی، ۳۷۴: ۱۲۱). بنابراین، قلمرو سلجوقیان کرمان در جنوب تا خلیج فارس و عمان، در شمال تا بافق و طیس، در شرق تا بلوچستان، مکران و شهر خاش و در غرب تا ایگ^۲ و فورگ امتداد داشت.

نقشه ۱. کرمان در زمان سلجوقیان و غزها (سلجوقیان و غز در کرمان: ۱۵۷).



نقش حکومت سلجوقی در رشد اقتصاد شهرهای ایالت کرمان

به قدرت رسیدن سلجوقیان در کرمان، فصل جدیدی در تاریخ ایالت کرمان گشود که

۱. مجاور، هم‌مرز

۲. شهر باستانی ایج در جنوب شرق استان فارس و در فاصله ۲۱۰ کیلومتری شیراز است.

معیار بسیاری از امور سیاسی و اقتصادی این ایالت را تغییر داد. کرمان از دیرزمان به دو بخش ورود و جروم تقسیم می‌شد و در این دو منطقه سردسیر و گرمسیر، شهرها و قصبات فراوانی قرار داشتند. حیات و رونق اقتصادی این شهرها و ولایات در دوره سلجوقیان همواره وابسته به کفایت حاکمان، اوضاع مناسب آب‌وهوایی و امنیت و ثبات در امر تجارت بود و در مقطعی، عواملی همچون خشکسالی، بیماری و جنگ مانع از رشد و رونق این شهرها و نواحی می‌شد و این مناطق به‌آسانی تحت‌تأثیر حوادث سیاسی و طبیعی قرار می‌گرفتند (تاریخ جامع ایران، ۱۳۹۳، ج ۸: ۶۵۵). از آنجاکه کشاورزی در روزگار سلجوقیان مهم‌ترین درآمد دولت و سنگ بنای معیشت مردم بود، اغلب سرزمین‌ها تا زمان تاخت‌وتاز غزها در نیمه دوم قرن ششم قمری از یک دوره ثبات و رفاه نسبی برخوردار بودند. عاملی که بیش از هر چیزی در رونق کشاورزی و اقتصاد روستاها و شهرها تأثیر داشت، وجود امنیت بود. در این خصوص، اقدامات گسترده‌ی قاورد در ایجاد امنیت در ورود و جروم کرمان به رونق کشاورزی در نواحی بم، جیرفت، میناب، شهداد و خبیص انجامید (صدقی، ۱۳۸۷: ۶۸). نظام آبیاری به‌قدری اهمیت داشت که نظام‌الملک حفاظت از منابع آبی را برعهده حاکم می‌دانست تا جهان را با بهبود آبیاری و راه‌ها و جاده‌ها و ساختن شهرهای جدید آبادان کنند (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۳۴: ۶). از جمله اقدامات قاورد در این خصوص این بود که «در ده‌فرسنگی یزد چاهی ساخت و مردم آن را الحال چاه قاورد می‌گویند» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۴: ۱۰). بنابراین، عوامل سیاسی نقش زیادی در رونق و پیشرفت کشاورزی ایفا می‌کردند. علاوه‌براین، خاک حاصلخیز و تنوع آب‌وهوایی در کرمان امکان تولید انواع محصولات گرمسیری و سردسیری را در فاصله‌های کم فراهم می‌آورد. از آنجاکه عمده محصولات در جروم یا گرمسیرات کرمان به عمل می‌آمد، قاورد سلجوقی هم سعی داشت گرمسیرات را از قوم قفص بگیرد. «چه مایه مال و منال کرمان از گرمسیرات است و گرمسیر در دست قوم کوفج و گروه قفص بود» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۴: ۵). یکی از عوامل تأثیرگذار در تنوع و رونق محصولات مختلف زراعی در ایالت کرمان، تنوع و تفاوت جغرافیایی در این ایالت بود. وجود دو منطقه سردسیر و گرمسیر علاوه‌بر تنوع آب‌وهوایی ایالت کرمان سبب به عمل آمدن محصولات مشخص این دو نوع آب‌وهوا بود و این امر خود عامل مهمی بود که باعث شد سرزمین کرمان کمتر به کمبود غذایی یا قحطی شدید دچار شود، زیرا این مناطق می‌توانستند مایحتاج خود را در

فصل‌های مختلف از شهرها و ولایات گرمسیرات و مناطق سردسیر تأمین کنند.

باوجود برخی اقدامات مثبت حاکمان سلجوقی در حوزه کشاورزی، ترکان سلجوقی گله‌های نسبتاً فراوانی داشتند که هر سال بیلاق و قشلاق می‌کردند. در بدایع‌الازمان آمده است: «قاعده ملوک کرمان چنان بود که در ماه آذر از دارالملک بردسیر انتقال باز دولت خانه جیرفت کردند و در ماه اردیبهشت عزیمت معاودت بردسیر فرمودند چنان که هفت ماه موسم گرما مرکز عز و علا به بردسیر بود و پنج ماه به گرمسیر» (فضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۴: ۳۰). هرچند قبایل کوچ‌نشین ترک اقتصاد شبانی را در این سرزمین‌ها و ولایات گسترش دادند، به دلیل رفت‌وآمد گله و رمه‌های آنان، چراه‌گاه‌ها و زمین‌های کشاورزی مورد تعدی قرار می‌گرفتند و از آنجا که با کشاورزی آشنایی نداشتند، زمین‌های زراعی به مرتع و مرغزار تبدیل می‌شدند و اوضاع و احوال نامساعد طبیعی کرمان و هرج‌ومرج ناشی از حضور ترکمانان و گله و رمه‌ها مانع از احیاء مجدد زمین‌های کشاورزی می‌شد (لمبتن، ۱۳۷۲: ۴۴). از آن گذشته، جنگ‌های پیاپی مجالی برای کشاورزی باقی نمی‌گذاشت. ربض^۱ شهر بردسیر محل کشت گندم بود. با هجوم هرکدام از طرفین و محاصره کردن بردسیر، گندم‌های کاشته‌شده نصیب سپاه مهاجم می‌شد. هجوم غز اوضاع را بحرانی‌تر کرد؛ ایشان در چند سال اولیه حضور خود در کرمان بلاد مختلف آن را خراب کردند. هنگامی که ملک دینار به کرمان آمد، در ناحیه اور آب بسیار و زمین‌های مرغوب دید، اما مردم به دلیل نداشتن امنیت کشت‌وکار نمی‌کردند (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۳۱: ۸۶). اقتصاد مردم یکجانشین که متکی بر کشاورزی بود، نیازمند حفر قنات‌هایی بود که گاه کیلومترها طول داشت. در چنین سرزمین‌هایی با هجوم اقوامی که اساساً از ساختار اقتصادی آن آگاهی نداشتند، زیان شدیدی به مردم وارد می‌شد. ایجاد و نگهداری قنات‌ها هزینه گزافی در برداشت و مهاجمان صحراگرد که عموماً ناآشنا با این ساختار بودند، آگاهانه و اغلب ناآگاهانه سبب تخریب این قنات‌ها می‌شدند (مرسل‌پور، ۱۳۸۷: ۱۴۴).

گسترده‌گی قلمرو در زمان سلجوقیان منجر به توسعه بازرگانی و در نتیجه رشد شهرنشینی و تولیدات صنعتی در ایالت کرمان شد. جاده تجاری هند-ایران که از این سرزمین می‌گذشت، به دلیل تجارت فلفل و ادویه و دیگر کالاهای هند شهرت و درآمد بسیار داشت (تاریخ شاهی، ۱۳۵۳: ۲۸۷). همچنین راه تجاری هرموز نقش مهمی در تجارت

۱. دیوار دور شهر و خانه‌های اطراف آن.

سرزمین ایران داشت. سلجوقیان کرمان به این جاده‌ها توجه داشتند و بر شاهراه‌های اصلی این منطقه مسلط شدند. آنان در مسیر راه‌های دریایی، بندرگاه‌ها و باراندازها و بر پهنه جاده‌های خشکی، بناهایی چون میل بلند، کاروانسراها، پل‌ها و قلعه‌ها، و در شهرها بازارها ساختند. در این دوران، بیشتر ایالت کرمان، به‌ویژه منطقه جروم، به بازار بزرگی تبدیل شد و بازرگانان مختلف برای دادوستد وارد کرمان می‌شدند. چنین موقعیتی باعث می‌شد که ثروت هنگفتی از این رهگذر نصیب این ایالات شود. افضل‌الدین کرمانی از قول یکی از تجار یزدی نقل کرده است که تجارت با کرمان باعث رونق کار آنها بود. حاکمان سلجوقی در ایجاد فضای امن برای کاروان‌ها بسیار اهتمام داشتند. برای مثال قاورد سلجوقی در راه سیستان و دره قاورد در چهارفرسنگی اسفه دربندی ساخت و نگهبانی بر آن گماشت (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۳۶ و ۱۰). با این اقدامات، راه تجاری کرمان به سیستان معمور شد و کاروان‌های تجاری به‌راحتی می‌توانستند در این جاده‌ها تردد کنند. در کنار عوامل اشاره‌شده در رشد و رونق این ولایات در قرن پنجم و ششم هجری قمری، به افول ایالات فارس در امر تجارت نیز باید اشاره کرد، زیرا همزمان با رونق جایگاه تجاری کرمان و نقش فعال آن در زمینه تجارت مسافره^۱ در عصر سلجوقی، اقدامات سلجوقیان کرمان سبب شد تا مرکزیت تجاری در دریای فارس به بندر هرموز (هرمز)^۲ در سواحل کرمان و جزایر کیش انتقال یابد و این موضوع باعث از رونق افتادن موقعیت تجاری ایالت فارس و خصوصاً رکود تجارت مسافره دریایی در بنادر فارس و به تبع آن در خشکی شد (صدقی، ۱۳۸۷: ۶۹). بدین ترتیب، مجموعه‌ای از عوامل مختلف در کنار یکدیگر در قرن پنجم و ششم هجری قمری سبب شد تا بسیاری از شهرها و ولایات کرمان و بلوچستان دوره متفاوتی در رشد اقتصادی را تجربه کنند.

مؤلفه‌های اقتصادی مؤثر در رشد و توسعه ولایات کرمان

دارالملک بردسیر^۳ برای اولین بار در زمان حکومت آل الیاس به‌عنوان

۱. مناسبات تجاری کلان بین مراکز تجاری واقع در دریا و خشکی.

۲. بندر هرموز قدیم، کهنه یا هرموز بزی بر ساحل میناب کنونی منطبق است و تا قرن هشتم هجری به شهری بندری در این ناحیه اطلاق می‌شد. این شهر بندری در مصب رودخانه میناب قرار داشت و از لحاظ موقعیت جغرافیایی، بندرگاه کرمان محسوب می‌شد و راه‌های پس کرانه‌ای آن به سمت جیرفت و ازسوی دیگر، از طریق بندر سورو به شیراز منتهی می‌شد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۴۹).

۳. بردسیر یا گواشیر نام قدیم شهر کرمان فعلی است.

دارالملک انتخاب شد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۲). این انتخاب از بسیاری جهات، به‌ویژه سیاسی و جغرافیایی، بسیار هوشمندانه بود، زیرا حاکمان این خاندان‌ها برای کنترل قلمرو خویش که اغلب مواقع، علاوه‌بر کرمان، مناطق بسیاری از سیستان و بلوچستان را در برمی‌گرفت، بیش از آنکه به سیرجان نیازمند باشند که تا قبل از بردسیر دارالملک بود، به بردسیر نیازمند بودند.

مؤلف کتاب سلجوقیان و غز دربارهٔ شهر بردسیر تا پیش از سلجوقیان کرمان نوشته است: «در ربض شهر بردسیر هیچ عمارت نبود و در ایام دولت سلجوقیان ربض شهر بردسیر عمارت یافت» (خبیسی، ۱۳۴۳: ۱). بلافاصله بعد از اینکه قاورد و سپاهیان و خدم و حشم او در بردسیر جمع شدند و جمعیت آن‌ها زیاد شد، به این نتیجه رسید که نمی‌تواند بدون ثروت گرمسیرات کرمان، به حکومت در بردسیر ادامه دهد. بنابراین، فتوحات خود را در دیگر نواحی ایالت کرمان آغاز کرد. اولین مرحلهٔ رشد و توسعهٔ شهر بردسیر، در نتیجهٔ سرازیر شدن ثروتی بود که حاکمان سلجوقی از تصرف دیگر نواحی به‌دست آورده بودند. بردسیر به‌عنوان مرکز حکومت ایالت کرمان، در مقابل دیگر ولایات و شهرها نقش مهمی ایفا می‌کرد. هرزمان پایتخت در امنیت و رونق به‌سر می‌برد، در این نواحی نیز امنیت و رونق برقرار بود. ازسوی دیگر، رفاه و آرامش بردسیر از منابع و سرمایه‌هایی بود که مستقیم و غیرمستقیم از این ولایات به این شهر سرازیر می‌شد. در نتیجهٔ اقدامات عمرانی همچون ساخت مسجد، مدرسه، بیمارستان، کاروانسرا و ساختمان‌های عام‌المنفعه در شهر بردسیر، گروه‌های مختلف مردم که شامل اصناف مختلف، تاجران، کاسبان و علما می‌شدند، به‌سوی این شهر روانه شدند و در آنجا سکونت کردند و وسعت این شهر گسترش یافت. «متصل دیه‌های حومهٔ شهر شد و غرباء شرق و غرب آن را از جهت لطف هوا و غدویت آب و عموم عدل و امنیت و شمول خصب و جمعیت موطن خویش ساختند» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۲). با الحاق این مناطق به شهر بردسیر و کارهای عمرانی صورت‌گرفته، بردسیر از قریه‌ای کوچک قبل از حکومت آل‌الیاس، به یکی از شهرهای اصلی کرمان در دوره‌های بعد تبدیل شد. اما در دوران هرج‌ومرج بیست‌سالهٔ پایانی حکومت سلجوقیان، بردسیر در جایگاه دارالملک، اولین قربانی بود، زیرا ناامنی ایجادشده در سایر ولایات، آسیب اقتصادی بسیاری به این شهر وارد کرد. در گذشته، بخشی از ثروت بی‌کران شهرهای جیرفت و بم به بردسیر سرازیر می‌شد، اما

با وجود کشمکش بین وارثان حکومت و دست‌به‌دست شدن متوالی دارالملک، امنیت راه‌های تجاری و کاروانی بین شهرهای ایالت کرمان و مرکز حکومت به هم خورد و دیگر ثروتی به بردسیر نمی‌رسید و بیشتر آن غارت می‌شد (کلمرزی، ۱۳۹۸: ۱۶۱). علاوه‌براین، قحطی‌ها و محاصره‌های طولانی سبب تعطیلی فعالیت‌های عام‌المنفعه و عمرانی در کرمان شد. مهاجرت‌های گروهی و فردی مردم بردسیر به روستاها، شهرها و حتی ایالت‌های همجوار، جمعیت بردسیر را در پایان حکومت سلجوقیان، تقریباً به نصف رساند (همان). تغییر مرکز حکومت به بردسیر، مسیر تعداد زیادی از کاروان‌های تجاری ایالت را عوض کرد و این تغییر مسیر، باعث افول و رکود برخی مناطق و شهرها و رونق برخی دیگر شد. تا پیش از شکوفایی شهر بردسیر در دوره سلجوقیان، راه ارتباطی شرق به غرب شهرت و رونق بسیاری داشت. این رونق به عواملی همچون ایالت ثروتمند فارس در غرب، و سیستان در شرق وابسته بود. منابع از ولایات و شهرهای فراوانی در این مسیرها نام برده‌اند که بیشتر این مناطق تا ابتدای دوره سلجوقیان رونق داشتند و با قدرت‌گیری سلجوقیان و تغییر پایتخت و مسیر کاروان‌های تجاری، بسیاری از این شهرها دچار رکود و سقوط شدند. یکی از نواحی‌ای که شهرهای آن به دلیل تغییر مسیر تجاری و کاروانی به‌طور کلی نابود شد، منطقه رودان بود که انار، شهرابک، پاریز و سرچشمه و نوق^۱ را شامل می‌شد. منطقه رودان در برخی از زمان‌ها جزء ایالت فارس بود. «ناحیت رودان در قدیم از صدد کرمان بوده است. بعد از آن با دیار پارس مضاف و ملحق شد و مقدار درازی آن ناحیت شصت فرسنگ است» (استخری، ۱۳۷۳: ۹۱). تا قرن چهارم اغلب شهرهای منطقه رودان بسیار مهم بودند، اما تغییر راه‌های تجاری و ارتباطی کرمان، خراسان و فارس در دوره‌های بعد و همچنین بی‌توجهی حاکمان به شهرهای شمالی و سرحدات غربی سبب شد تا در سده‌های بعدی تنها اسمی از آنها در منابع باقی بماند. این تغییر مسیر باعث رونق و شکوفایی اقتصادی راه شمال به جنوب و شهرها و منزلگاه‌هایی شد که در این مسیر قرار داشتند.

جیرفت: بعد از بردسیر، اصلی‌ترین شهر ایالت کرمان، جیرفت بود. حاکمان سلجوقی برای ایجاد پیوند مستحکم‌تر بین شهرها و ولایات مختلف و دور از هم‌قلمرو خویش، دو پایتخت را برای ایالت برگزیده بودند. قاورد هفت ماه از سال را در دارالمک اول یعنی

۱. از توابع دهستان بهرمان از بخش مرکزی شهرستان رفسنجان.

بردسیر، و پنج ماه از سال را در دارالمک دوش، جیرفت سپری می‌کرد (خبیسی، ۱۳۴۳: ۵). انتخاب جیرفت به‌عنوان دارالملک دوم که در منطقه گرمسیر ایالت واقع بود، مزایای بسیاری برای ساکنان این شهر و تمام گرمسیرات کرمان داشت. حضور مداوم حاکمان و شاهزادگان سلجوقی در این شهر با انجام کارهای عمرانی و عام‌المنفعه همراه بود. سلجوقیان از طریق همین شهر توانستند به تمام گرمسیرات دست یابند. قرار گرفتن جیرفت بر سر راه‌های تجاری، از جمله راهی که به خلیج فارس و بندر هرموز می‌رفت و با راهی که از هندوستان و طریق جالق^۱ متصل می‌شد، باعث اهمیت این شهر و توجه حاکمان به آن شد (بارتولد، ۱۳۰۸: ۱۹۹). یکی از ویژگی‌های اصلی جیرفت، بازار دائمی این منطقه بود. مسیر کاروانی هرمز به جیرفت پس از عبور از مناطق باس^۲، جگین، منوجان و گلاشگرد^۳ وارد قبادین^۴ می‌شد. قبادین که در فاصله کوتاهی از مرکز سیاسی جیرفت قرار گرفته بود، اهمیت تجاری فوق‌العاده‌ای داشت. این منطقه محل تردد کاروان‌های عظیم تجاری بود که کالاهای کشورهای مختلف را در کاروان‌سراها و انبارهای این منطقه خالی می‌کردند و کالاهای صادراتی جیرفت را به‌جای آنها بار می‌زدند و با خود می‌بردند. در واقع، قبادین مشابه بنادر آزاد کنونی عمل می‌کرد (صفا، ۱۳۹۰: ۱۴۲). محصولات کشاورزی، دامی و صنایع دستی مناطق گرمسیری از این مسیر وارد بازار جیرفت می‌شد. دلفارد^۵، میجان^۶ و بارجان^۷ نیز منسوجات و محصولات مناطق سردسیری را روانه این بازار می‌کردند. همچنین دشت حاصلخیز جیرفت و رودبار مکان کم‌نظیری برای چرای گله‌های بزرگ حاکمان سلجوقی بود. آنچه که بیشترین اهمیت را برای سلاطین سلجوقی کرمان داشت، وجود انبارهای علوفه و غله‌ای بود که در این شهر برای زمان‌های بحرانی انباشته و ذخیره شده بود. به‌نظر می‌رسد اهمیت و اعتبار جیرفت از اواخر دوره سلجوقیان در کرمان کاسته شده باشد. این منطقه از یک‌طرف چون صحنه جنگ‌های متوالی امرا و شاهزادگان سلجوقی و کشتار و غارت بود، رو به ویرانی گذاشته

۱. شهری در بخش مرکزی شهرستان گلشن در سیستان و بلوچستان.

۲. شهر قدیم باس در شمال شرقی منوجان در راه ریگان، در سه منلی بندر هرموز در همسایگی جگین واقع بود.

۳. دهستانی در بخش مرکزی شهرستان فاریاب در استان کرمان.

۴. خرابه‌های قبادین نزدیک روستای خاتون‌آباد در شهرستان جیرفت.

۵. دهستان دلفارد در بخش ساردوئیه شهرستان جیرفت.

۶. از توابع بخش جبالبارز در شهرستان جیرفت در استان کرمان.

۷. روستایی در دهستان امجز در بخش مرکزی شهرستان عنبرآباد در استان کرمان.

بود و از طرف دیگر، با هجوم غزها به جیرفت، ارتباط اقتصادی و تجاری این منطقه با سایر شهرهای کرمان از هم گسست و در نتیجه وضعیت اقتصادی و تجاری جیرفت به شدت افول کرد.

بم: در دوره سلجوقیان، بعد از بردسیر و جیرفت، مهم‌ترین شهر ایالت کرمان، شهر بم بود. در تقسیم‌بندی قدیم ایالت کرمان، بم مرکز شق شرقی ایالت و ناحیه جروم محسوب می‌شد (ابن خردادبه، ۱۳۸۹: ۳۹). بم محل عبور کاروان‌های فراوانی بود که کالاهای نفیس هندوستان و دریای هند را به داخل ایران و سپس به غرب آسیا و آن‌گاه اروپا می‌رساندند. رونق این مسیر تجاری سبب عمران و آبادی از هند تا اروپا شد (خیراندیش، ۱۳۶۸: ۳). شرح مورخان و جغرافی‌نویسان قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری قمری از این شهر، حاکی است که بم در دوره سلجوقیان کرمان شهری بزرگ با تجارتی وسیع بین ایالات و سرزمین‌های دیگر بود. با گسترش مرزهای ایالت کرمان در این دوره تا مکران، بندر تیز و شهر سرحدی خاش، بم دیگر مثل گذشته نه منطقه‌ای سرحدی، بلکه شهری تقریباً در مرکز و قلب ایالت کرمان محسوب می‌شد که از امنیت قابل توجهی برخوردار بود و کشاورزی و اقتصاد آن رونق بسیاری داشت. نواحی گرمسیری کرمان و به‌خصوص شهر بم به دلیل نزدیکی به سیستان دارای اقتصادی وابسته به آنجا بودند. راه تجاری بزرگی که از بم می‌گذشت از مکران می‌آمد، جایی که اکنون بیشتر به نام بلوچستان شناخته می‌شود. کاروان‌های تجاری که از سند می‌آمدند، پس از عبور از لاهور، منصوره، قصدار و بمپور وارد بم می‌شدند. مهم‌تر از این راه زمینی، راهی وجود داشت که از بندر تیز در مکران به‌عنوان کانون تجاری مهمی که در ارتباطات و حمل‌ونقل دریایی اقیانوس هند دارای اهمیت بسیار بود، می‌گذشت (خیراندیش، ۱۳۶۸: ۴). اهمیت تجاری جاده بم به سیستان به‌گونه‌ای بود که قاورد سلجوقی چندین برج مرتفع را در این بیابان ساخت. رونق باغداری و کشاورزی و در کنار آن توسعه صنایع دستی از عوامل دیگر شکوفایی در این شهر بود. تولید ابریشم و تجارت آن در بم که بر سر یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جاده ابریشم که جنوب ایران را به هند پیوند می‌داد، انجام می‌شد (باستانی راد، ۱۳۸۲: ۱۸). بم و نرماشیر همیشه از نظر تولید غله و علوفه بسیار حائز اهمیت بوده‌اند. رونق صنایع دستی و منسوجات مرغوب در مناطقی همچون رابن، دارزین و ابارق که از شهرهای ولایت بم بودند، نیز به رونق و شکوفایی این منطقه

افزود (کلمرزی، ۱۳۹۸: ۱۳۴). اوج رونق و شکوفایی بوم و همچنین افول و سقوط آن، هر دو در دوره سلجوقیان کرمان اتفاق افتاد. اوج رونق بوم زمانی بود که این ولایت به پایتختی انتخاب شد و سقوط و زوال آن نیز هم‌زمان با سقوط حکومت سلجوقیان کرمان آغاز شد. علاوه بر نحوه حکومت‌داری حاکمان سلجوقی کرمان در آبادانی این شهر، اقتصاد پویای این منطقه که از راه کشاورزی و موقعیت ویژه ارتباطی و راهبردی حاصل می‌شد نیز تأثیر بسیاری داشت. همچنین شبکه گسترده شهری و بازارهای پررونق بوم را به شهری با تجارت جهانی آن روز مبدل کرده بود. در دوران پایانی حکومت سلجوقیان سابق‌علی، کوتوال شهر بوم، توانست در سایه درایت خویش تقریباً به‌طور مستقل حکومت کند و شهر بوم را از خرابی و فساد غزها در امان نگه دارد.

سیرجان: این شهر در زمان سلاجقه، شهر دوم صروم^۱ ایالت کرمان، اقطاع لشکری و ولایت هم‌مرز با فارس محسوب می‌شد. سیرجان به دلیل قرار داشتن در نقطه تلاقی شهر بابک در شمال، رودان در شرق و صاهک در غرب، ارزش و اهمیت بالایی در تجارت و سیاست قرن ششم هجری قمری داشت (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۳۳). سیرجان که در گذشته شهر اول و مرکز حکومت کرمان بود، بعد از اینکه مقرر حکومت به بردسیر و جیرفت منتقل شد، نسبت به شهرهای مهم ایالت در جایگاه پایین‌تری قرار گرفت. چون در این زمان، شهری سرحدی محسوب می‌شد و نقش نظامی برای دارالملک بردسیر و ایالت کرمان داشت. افضل‌الدین کرمانی سیرجان را این‌گونه توصیف کرده است: «ولایتی معظم، بسیار ارتفاع و در عهد آل سلجوق اکثر اقطاع و ادرار لشکر از آنجا بوده است و پیوسته امیری بزرگ و لشکری انبوه در آن شق (ناحیه) مقیم از جهت آنکه ولایت فارس و کرمان متصلست و سیرجان ثغر» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۳۱). غیر از سیرجان، شهرهای این ولایت نیز شرایط مشابهی داشتند. منطقه بافت^۲ که در اقطاع لشکریان سلجوقی قرار داشت نیز نقش پادگانی و دفاعی را برای ایالت ایفا می‌کرد. هرچند وظیفه دفاعی و نظامی سیرجان در این دوره بسیار اهمیت داشت، اقتصاد پویای این ولایت که از بازرگانی و کشاورزی ناشی می‌شد نیز بسیار مهم بود. کارهای عمرانی که در گذشته در این ولایت صورت گرفته بود، تأثیر به‌سزایی در توسعه تجاری و اقتصادی این دوره

۱. منطقه سردسیر

۲. شهرستان بافت در استان کرمان.

ایفا کرد. مقدسی در احسن التقاسیم به این نکته اشاره کرده است: «آب شهر سیرجان از دو کاریز است که عمر و طاهر، پسران لیث کنند و در شهر می‌گردد و به خانه‌ها و باغ‌ها می‌رود» (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۰). در اواخر دوره سلجوقیان کرمان و حملات غز، ارتباط سیرجان با دیگر شهرهای این ایالت قطع شد و سیرجان از گردنه رقابت با جیرفت و بم و بردسیر خارج شد. در اواخر قرن ششم، این شهر به شدت آسیب دید و زوال و افول آن بر شهرها و روستاهای هم‌جوارش، یعنی مناطق حوزه رودان تأثیر گذاشت و این مناطق نیز آسیب بسیاری دیدند. اطلاعات اندک درباره این شهرها در منابع این دوران حاکی از عدم اهمیت و افول این نواحی و مناطق در آن زمان است.

خبیص: بسیاری از شهرهای شمالی و شمال‌شرقی ایالت کرمان، که پیش از این فقط قلعه شهرها و رباط شهرهایی کوچک در مسیر ارتباطی ایالات جنوبی و شرقی بودند، در زمان سلجوقیان کرمان دوره جدیدی از توسعه و شکوفایی خود را تجربه کردند. یکی از این مناطق خبیص^۱ بود که در مسیر تجاری ایالت فارس و سیرجان به ایالت خراسان قرار داشت. در دوره سلجوقیان، این شهر بیش از دیگر شهرهای مهم کرمان به پایتخت نزدیک شد. شهر خبیص واقع در سه منزلی ماهان در مرز کرمان را باید تقریباً در محدوده کویر دانست. از این شهر راهی به طرف خوست قهستان منتهی می‌شد که ده منزلگاه داشت. از دو منزل قبل از رسیدن به خوست، نزدیک قریه کور که در آخر کویر است، مرز قهستان آغاز می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۵۱). خبیص به دلیل داشتن ویژگی مثبت جغرافیایی برای رشد و توسعه، یعنی وجود مناطق گرمسیر و سردسیر در قلمرو خود، شهرت فراوانی داشت. علاوه بر این، به دلیل نزدیکی به پایتخت و پیوند خانوادگی با خاندان سلجوقی، توجه مخصوص حکام سلجوقی را به خود داشت. همه این دلایل باعث رونق و شهرت مسیر تجاری و ارتباطی خبیص به خراسان نسبت به گذشته شد. ادریسی در قرن ششم هجری قمری، یکی از مسیرهای کرمان به خراسان را راه خبیص دانسته است (ادریسی، ۱۳۸۸: ۴۴۶). این راه از جهت تجاری به قدری اهمیت داشت که به روایت جغرافی‌نویسان وقتی کاروان‌های خراسان برای حمل خرما به خبیص می‌آمدند، حاکم خبیص برای هر سر شتر کاروان یک جایزه خاص می‌پرداخت. این کار در واقع

۱. شهرداد کنونی (در تاریخ ۱۳/۲/۱۳۱۳ براساس تصویب‌نامه شماره ۲۴۵۴ بلوک و قصبه خبیص به شهرداد تغییر نام یافت).

برای تشویق کاروان‌ها به آباد داشتن این راه بود (باستانی پاریزی، ۱۳۷۷: ۶۲). به جز خبیص شهرهای زرنند، کوهبنان و راور نیز در این دوره تحول پیدا کردند. نام این شهرها از اواخر دوران سلجوقیان در کرمان و به‌خصوص از زمان غزها در منابع به فراوانی تکرار شده است. این مناطق به‌دلیل نزدیکی به مرکز حکومت، نقش دفاعی و اقتصادی مهمی ایفا کردند. برخلاف اغلب شهرهای جنوب‌شرقی ایالت کرمان مانند جیرفت، بم، هرمز و سیرجان در غرب که دارای یک شبکه شهری وسیع در اطراف خود بودند، این مناطق چنین شبکه‌ای نداشتند و فقط رباط شهرها و قلعه شهرهای نه‌چندان مهمی بودند که بقای آنها به رفت‌وآمد کاروان‌های تجاری وابسته بود و اقتصاد مستقل و خودبسنده‌ای نداشتند. با رشد و توسعه بردسیر، آنها نیز علاوه‌بر اهمیت ارتباطی و راهبردی، اهمیت اقتصادی و تجاری نیز پیدا کردند.

بندر هرموز: در گذشته بندر هرموز در مشرق بندر عباس و در نزدیک میناب قرار داشت و جغرافی‌نویسان از آن به‌عنوان هرموز کهنه نام برده‌اند (بارتولد، ۱۳۰۸: ۲۰۱). ابن‌حوقل می‌نویسد: «شهر هرموز بندرگاه و مرکز تجارت کرمان و محل دادوستد است. مسجد جامع و رباطی دارد و خانه‌های آن بسیار نیست و خانه‌های بازرگانان در روستاها و دیه‌های آن است و درختان خرما فراوان دارد» (ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۶). اصطخری هم هرموز را مجمع بازرگانان کرمان دانسته است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۳۴). در مجمع‌الانساب آمده است: «زمین هرموز از حساب ممالک کرمان می‌نهند و ساحل دریای عمان است و قدیما بندرگاهی بوده و شهری فراخ، آن را نابند گفتندی و دارالملک آنجا بود این زمان آن شهر به‌جای است اما نه دارالملک است و آن را هرموز کهنه گویند و نواحی و قری و نخلستان بسیار دارد» (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۲۱۵). ناحیه هرموز در نتیجه امنیت شهرهای پس‌کرانه‌ای مهمی همچون جیرفت و منوجان، تاجران سرزمین‌های دور و نزدیک را به خود جلب می‌کرد. حاکمان سلجوقی کرمان، با برقراری امنیتی پایدار در قلمرو وسیع سرزمین خویش، نقش قابل‌توجهی در توسعه و رونق تجاری بندر هرمز ایفا کردند. در این زمان، بسیاری از کاروان‌های تجاری، از جمله کاروان‌های عراق، که در گذشته به‌طرف سیراف می‌رفتند، به‌سوی هرمز مسیر خود را تغییر دادند. منابع قرن ششم قمری، بندر هرمز را چنین

۱. امیر هرموز، در ۶۹۶ ق دارالملک و پایتخت خود را از بندر هرموز به جزیره جرون (جزیره هرمز کنونی) که بعدها به هرموز نو مشهور شد، منتقل کرد (کلمری، ۱۳۹۸: ۳۴۵).

توصیف کرده‌اند: «جنوب جیرفت ناحیت هرمزست ولایتی معمور بر لب دریا... و ارتفاع او زر خراجی و اسب تازی و مروارید باشد و امروز فرضه آن ساحلست و قوافل عراق روی به وی دارد و مرکز ثوری دریابار و مقصد تجار اقطار آنجاست» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۲۸). این بندر با جذب سرمایه دریایی فراوان آن روز و ارسال این سرمایه‌ها و کالاها به مسیرهای تجاری کرمان تأثیر بسیار زیادی بر اقتصاد این ایالت گذاشت. شهرهای بسیاری همچون کهنوج، جیرفت، نرماشیر، راین، ماهان و بردسیر از ثروتی که از طریق این بندر و قافله‌های تجاری بزرگ که به آنها رفت‌وآمد داشتند، حاصل می‌شد، بهره‌ر فراوان بردند، اما در اواخر قرن ششم هجری قمری، هرمز تقریباً جای خود را به تیز داد. ناامنی ایجادشده در شهرهای پس‌کرانه‌ای سبب شد هرمز دیگر نتواند به رونق و اهمیت سابق خویش ادامه بدهد. نابسامانی‌هایی که در کرمان بر اثر حملات حکام شبانکاره فارس و غزها ایجاد شد، تأثیرات مخرب خود را بر اقتصاد تجاری منطقه کرمان و هرمز گذاشت و همکاری‌های سیاسی و تجاری ملوک کرمان و هرمز ثبات اولیه را از دست داد (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۰۴). در پی این اتفاقات، بندر تیز به‌جای بندر هرمز، به کانون و مرکز بازرگانان و تجار سرزمین‌های مختلف تبدیل شد.

بندر تیز (تیس): در نوشته‌های مقدسی، بندر تیز جزء اقلیم سند به‌شمار آمده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۷۰۳)، اما در دوره سلجوقیان شرقی‌ترین بندر در ذیل حکومت کرمان قرار داشت و راه تجاری جدیدی ساخته شد که سواحل بلوچستان و مکران را به ماوراءالنهر وصل می‌کرد. این جاده که به ولگا ختم می‌شد، سواحل عمان، دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای چین را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد. در پی اقدامات حاکمان سلجوقی کرمان در برقراری امنیت این جاده، تیز به‌سرعت به مهم‌ترین بندر اقتصادی و تجاری دریای عمان در اواخر سده پنجم و اوایل سده ششم هجری تبدیل شد و از این حیث درآمد سرشاری از عوارض تجار و کشتی‌های واردشده به این بندر عاید سلجوقیان شد (پیرقمی، ۱۳۹۴: ۸۴).

افضل‌الدین کرمانی ناامنی را علت تغییر بندرگاه کرمان به بندر تیز دانسته است (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۲۷). تیز طی قرون اولیه اسلامی در مسیر کرانه نوردان به سمت هندوستان قرار داشت. برخلاف شهرهای مرکزی و شمالی ایالت کرمان، رونق و شکوفایی تیز پیوند بسیار زیادی با مسئله حمل‌ونقل و راه‌های ارتباطی داشت، زیرا

علاوه بر راه‌های دریایی، راه‌هایی به‌سوی کرمان، سیستان و خراسان نیز داشت. کالاهای بسیاری از این بندر بارگیری می‌شد و با کاروان‌های بزرگ به‌طرف دلگان، ریگان، بم و نرماشیر حرکت می‌کردند، آن‌گاه در نرماشیر گروهی به‌سوی سیستان و گروهی دیگر به‌سوی خراسان می‌رفتند (ادریسی، ۱۳۸۸، ج ۱: ۴۴۶). اشارهٔ افضل‌الدین کرمانی به رفت‌وآمد تجار عمان به این بندر نشان می‌دهد که طی قرن ششم هجری قمری، تیز در مسیر تجارت مستقیم دریایی از سواحل جنوبی خلیج فارس به سمت ایران واقع شده بود و همین امر اهمیت آن را بیش از پیش ساخته بود. رونق این بندر، رفت‌وآمد کشتی‌ها به‌سمت هرموز را تحت تأثیر قرار داد و به همین دلیل هرموز به‌ویژه در قرن ششم در سایهٔ اعتبار تیز و کیش نتوانست نقش اصلی خود را به‌عنوان بندرگاه کرمان به‌خوبی ایفا کند. سکوت مورخین دربارهٔ هرموز طی همین دوره را می‌توان مرتبط با این شرایط ارزیابی کرد (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). قاورد سلجوقی پس از اینکه مکران را به ایالت کرمان ضمیمه کرد، دستور بازسازی و مرمت بندر تیز را داد که اهمیت و نقش تجاری این بندر را نشان می‌داد. سلاطین پس از او نیز اهمیت آن را در نظر داشتند و در زمان ارسلان‌شاه، گرفتن مالیات از تجار و بازرگانان بندر تیز رواج یافت (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۴۵). در زمان حکومت طغرل‌شاه، عشور^۱ ابریشم مکران به سی‌هزار دینار رسید و تمغای بندر تیز پانزده‌هزار دینار اجاره رفت (وزیری، ۱۳۷۵: ۳۷۰). نتایج مفید و مثبت رونق کرمان طی یک‌صد سال یعنی تمامی نیمهٔ دوم قرن پنجم و نیمهٔ قرن ششم بیشترین تأثیر را بر شهرهای مسیر تجارت خشکی و همچنین بندر تیز برجای گذاشت (وثوقی، ۱۳۸۹: ۱۱۶). بعد از ضعف سلجوقیان کرمان و ناامنی راه‌ها، این بندر نیز همچون سایر شهرها و ولایات ایران رونق خود را تا دورهٔ ایلخانان از دست داد.

مکران: مکران^۲ در دورهٔ سلجوقیان یکی از درخشان‌ترین دوران خود را به‌خصوص در زمینهٔ اقتصادی و تجاری پشت سر گذاشت. منطقهٔ مکران و تیز قبل از آمدن قاورد سلجوقی، به‌علت شورش و ناامنی که قفص‌ها در این نواحی ایجاد کرده بودند، از لحاظ اقتصادی و تجاری رونق چندانی نداشت، اما در این دوره به یکی از قطب‌های تجاری ایران مبدل شد و این مسئله امتیازی بود که به دوران سلجوقی اختصاص داشت، زیرا

۱. عشور نوعی منبع درآمد بیت‌المال بود که از بازرگانان خارجی گرفته می‌شد.

۲. مکران منطقه‌ای وسیع در جنوب‌شرقی فلات ایران بود که مرزهای آن از کرمان در غرب تا حدود سند در شرق کشیده شده بود. این ناحیهٔ وسیع از شمال به سیستان و از جنوب به دریای مکران (عمان) محدود بود.

هم‌زمان با سقوط این سلسله مکران هم رونق خود را از دست داد. در این دوره، با حمایت حاکمان سلجوقی کرمان مسیر تجاری جدیدی گشوده شد که از بندر تیز شروع می‌شد و پس از عبور از مکران، سیستان و خراسان به ماوراءالنهر و از آنجا به ولگا ختم می‌شد (روستا، ۱۳۹۴: ۱۲۹). در زمان طغرل شاه از بازرگانی در کرمان و عمان عایدی قابل‌ملاحظه‌ای به خزانه دولت رسید و توجه زیادی هم به آبادانی بلوچستان شد (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۷۷). نبود آب کافی برای کشاورزی و نیز فعالیت‌های صنعتی گسترده در این منطقه گفته‌های جغرافی‌دانان و مورخان اسلامی را مبنی بر اهمیت مکران از نظر تجارت منطقه‌ای و بین‌المللی تأیید می‌کند و نشان می‌دهد که تنها راه زندگی و امرار معاش مردم این ناحیه تجارت بوده است (دلبری، ۱۳۸۸: ۴۴). عمده‌ترین کالاهایی که از مکران صادر می‌شد، محصولات بود که در این ناحیه تولید و کشت می‌شد. علاوه بر صادرات محصولات این ناحیه به نقاط مختلف، کاروان‌ها و کشتی‌هایی که در شهرها و بنادر این ناحیه توقف می‌کردند، کالاهای سایر نقاط را نیز به مکران می‌آوردند. مشک و عنبر از جمله کالاهایی بود که هم از اقیانوس هند و دریای عمان و خلیج فارس و هم از راه خشکی جابه‌جا می‌شد و در مبادلات تجاری بسیار سودآور بود (مقدسی، ۱۳۶۱: ۵۲۳). مکران در زمان طغرل شاه چنان از رونق برخوردار بود که مالیات این منطقه پانزده‌هزار دینار بود (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۷۱۳). با چندپارگی ایالت کرمان در سال‌های پایانی حکومت سلجوقیان و همچنین حملات غزها، ارتباط شهرها و مناطق زیادی از جمله مکران و بلوچستان با مرکز حکومت قطع شد. در نتیجه با گسسته شدن ارتباط اقتصادی و تجاری این منطقه با ایالت کرمان و سایر ایالات حیات اقتصادی این منطقه نیز دچار رکود و افول شد.

نتیجه‌گیری

سلجوقیان کرمان با ایجاد ثبات سیاسی در اغلب دوران حکمرانی خود و برقراری امنیت، توانستند تجارت را در مناطق زیر نفوذ خویش توسعه دهند. در این زمان، بسیاری از ولایات و شهرها به رونق و شکوفایی بی‌نظیر و شهرتی جهانی دست یافتند. بردسیر و جیرفت، دو دارالملک تابستانی و زمستانی حاکمان سلجوقی بود. تغییر مرکز حکومت که تا قبل از دوره آل‌الیاس شهر سیرجان بود، مسیر بسیاری از کاروان‌های تجاری جنوب و

به‌خصوص کرمان و مکران را تغییر داد. تا پیش از شکوفایی شهر بردسیر به‌عنوان مرکز حکومت، شبکه‌ی ارتباطی و تجاری شرق به غرب شهرت و رونق بیشتری داشت، اما در دوره‌ی سلجوقیان مسیر راه‌های تجاری تغییر کرد و این تغییر مسیر باعث رشد و شکوفایی راه شمال به جنوب شد و به تبع آن، شهرها و ولایاتی همچون خییص، زرنند، کوهبنان و راور که در این مسیر قرار داشتند، به توسعه و رونق دست یافتند، هرچند رکود شبکه‌ی ارتباطی شرق به غرب، افول برخی شهرها را در پی داشت. منابع از شهرهایی همچون رودان، اناس، ابان و اذکان در طول مسیر شرق به غرب نام برده‌اند که تا ابتدای دوره‌ی سلجوقیان رونق داشته‌اند. از سرگذشت این شهرها در سده‌های بعد اطلاعات چندانی در دست نیست. بسیاری از این شهرها با تغییر مسیر به‌کلی نابود شدند. تاریخ گواه این مسئله است که حیات این شهرها و ولایات وابسته به حیات اقتصادی بود که بر پایه‌ی تجارت و بازرگانی شکل گرفته بود. بنابراین، با تغییر مسیر راه‌های تجاری، به تدریج از آبادانی آنها کاسته شد و جمعیت آنها به دلیل مهاجرت و ناامنی کاهش یافت. از طرف دیگر، توجه حاکمان به عمران و آبادانی در حوزه‌های کشاورزی و تجارت، بسیاری از ولایات و روستاها در شمال شرقی و شمال ایالت کرمان را، که پیش از این مناطق کوچک و کم‌اهمیتی در مسیر ارتباطی چندین ایالت بودند، وارد دوره‌ی جدیدی از رشد و شکوفایی کرد. در کنار این نواحی، برخی از این ولایات به دلیل داشتن مناطق سردسیری و گرمسیری، در تمام فصول سال کشاورزی پررونقی داشتند که نقش قابل توجهی در ترقی و توسعه آنها داشت. تغییر پایتخت و جابه‌جایی مسیرهای تجاری و قرار گرفتن ولایاتی همچون جیرفت و گرمسیرات کرمان، بندر هرموز، تیز و مکران بر سر راه‌های تجاری که به سمت خلیج فارس و هندوستان می‌رفت، علاوه بر ایجاد موقعیت سوق الجیشی برای آنها، اسباب تجارت با هندوستان، چین و سایر نقاط را نیز فراهم آورد. از این رهگذر در دوره‌ی حکومت طولانی‌مدت سلجوقیان کرمان، حاکمان این سلسله با درک این اوضاع، علاوه بر توجه به امر کشاورزی، با حفاظت از راه‌ها و تأمین آسایش کاروانیان و ایجاد پل‌ها، میل‌ها، رباط‌ها، کاروان‌سراها، آب‌انبارها و غیره در طول مسیرهای متعدد تجاری در سراسر این ادوار تاریخی، به بازرگانی و تجارت توجه ویژه‌ای نشان دادند. حاصل این توجه، اقتصاد پویا و شکوفای اغلب ولایات و شهرهای ایالت کرمان در آن روزگار بود. بنابراین، در قرن

پنجم و ششم قمری، اقتصاد یکی از مهم‌ترین عوامل رشد و افول شهرها و ولایات در ایالات کرمان و بلوچستان بود.

منابع

- ابن بلخی، احمد بن سهل (۱۳۷۴). *فارسانامه ابن بلخی*. تصحیح منصور رستگار فسایی. شیراز: بنیاد فارس‌شناسی.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل (۱۳۶۶). *صورة الارض*. ترجمه و توضیح جعفر شعار. تهران: امیرکبیر.
- ابن خردادبه، عبيدالله بن عبدالله (۱۸۸۹). *المسالك و الممالك*. ترجمه سعید خاکرند. بیروت: دار صادر افست لیدن.
- ادریسی، محمد بن محمد (۱۳۸۸). *نزهة المشتاق فی اختراق الآفاق*. ۲ جلد. ترجمه عبدالحمید آیتی. تهران: بنیاد ایران‌شناسی.
- اصطخری، ابواسحاق ابراهیم (۱۳۶۸). *مسالك و ممالك*. به اهتمام ایرج افشار، چاپ ۳. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد (۱۳۲۶). *تاریخ افضل یا بدایع الأزمان فی وقایع کرمان*. تصحیح مهدی بیانی. تهران: چاپخانه دانشگاه.
- افضل‌الدین کرمانی، ابوحامد (۱۳۳۱). *المضاف الی بدایع الأزمان فی وقایع کرمان*. تصحیح عباس اقبال. تهران: چاپ مجلس.
- بارتولد، و. و (۱۳۰۸). *تذکره جغرافیایی تاریخی ایران*. ترجمه حمزه سر دادور. تهران: اتحادیه تهران.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۷۷). *هشت الهفت*. چاپ ۴. تهران: ارغوان.
- باستانی راد، حسن (۱۳۸۲). *بم در زیر و بم تاریخ*. کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، (۵۶ و ۵۷)، ۱۷-۳۰.
- باسورث، ک. ا (۱۳۷۹). *تاریخ سیاسی و دودمانی جهان ایرانی، تاریخ ایران کمبریج*. ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- تاریخ جامع ایران (۱۳۹۳). جلد ۸. تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلانی.
- تاریخ شاهی (۱۳۵۳). بی‌نام. به اهتمام و تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خیبسی، محمدابراهیم (۱۳۴۳). *سلجوقیان و غز در کرمان*. تصحیح محمدابراهیم باستانی پاریزی. تهران: انتشارات طهوری.
- خیراندیش، اسدالله (۱۳۶۸). *با من به کرمان بیاید*. تهران: انتشارات وحید.
- دلبری، شهربانو (۱۳۸۸). *نقش اقتصاد سیستان در قرون نخستین اسلامی*. فقه و تاریخ و تمدن، ۶ (۲۱)، ۳۳ - ۵۰.

راوندی، محمد بن علی بن سلیمان (۱۳۸۲). *راحه‌الصدور و آیه‌السرور در تاریخ آل سلجوق*. به اهتمام محمد اقبال. تهران: امیرکبیر.

راوندی، مرتضی (۱۳۸۲). *تاریخ اجتماعی در ایران*. ۵ جلد. تهران: انتشارات نگاه.

روستا، جمشید و محمدی، الهام (۱۳۹۴). تحلیل وضعیت تجارت و راههای تجاری کرمان در دوران حاکمیت سلجوقیان (۴۳۳ تا ۵۸۳ ق). *پژوهش‌های تاریخی*، ۷ (۳)، ۱۱۹-۱۳۶.

شبانکاره‌ای، محمد (۱۳۸۱). *مجمع الانساب*. ۲ جلد. تصحیح میرهاشم محدث. تهران: امیرکبیر.

صدقی، ناصر (۱۳۷۸). بررسی وضعیت تجارت «مسافره» در ایران عصر سلجوقی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، ۲ (۵۳)، ۵۹-۸۰.

صفا، عزیزالله (۱۳۹۰). *تاریخ جیرفت و کهنوج*. کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.

عباسی، جواد و امیری، لیلیا (۱۳۹۰). تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با تأکید بر جایگاه جیرفت. *مطالعات ایرانی*، ۱۰ (۱۹)، ۳۲۰-۳۰۱.

عبدالرضا، کلمرزی (۱۳۹۸). *هزار سال تحول شهری در ایالت کرمان*. تهران: نشر اختران.

قمی، میترا (۱۳۹۴). بررسی اقتصاد ایران در دوره سلجوقیان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه خوارزمی.

لسترنج، گای (۱۳۶۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لمبتون، آ. ک. س (۱۳۷۲). *تداوم و تحول در تاریخ میانه*. ترجمه یعقوب آژند. چاپ ۳. تهران: نشر نی.

مرسل‌پور، محسن (۱۳۸۷). *تاریخ سلجوقیان کرمان*. کرمان: کرمان‌شناسی.

مقدسی، محمد بن احمد (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم*. ترجمه علی‌نقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.

منشی کرمانی، ناصرالدین (۱۳۶۲). *سمط العلی للحضرة العلیا*. تصحیح و اهتمام عباس اقبال. تهران: انتشارات اساطیر.

نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن بن علی (۱۳۳۴). *سیاست‌نامه*. به کوشش مرتضی مدرس چهاردهی. تهران: حیدری.

وثوقی، محمدباقر (۱۳۸۹). *تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار*. تهران: سمت.

وزیری، احمدعلی‌خان (۱۳۷۵). *تاریخ کرمان*. تصحیح و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی. چاپ ۴. تهران: علمی.

یوسفی‌فر، شهرام (۱۳۹۰). *جستارهایی در مناسبات شهر و شهرنشینی در دوره سلجوقیان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.